

## گزارشی از تظاهرات بر علیه جمهوری اسلامی در نیویورک (به بهانه اعتراض به یاهو گوئی های احمدی نژاد در سازمان ملل)

در روز چهارشنبه ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۹، چندین هزار تن از ایرانیان و نیروهای مختلف آپوزسیون جمهوری اسلامی در نیویورک، در اعتراض به سخنرانی احمدی نژاد در مجمع عمومی سازمان ملل و حمایت از خواست های بر حق توده های تحت ستم ایران در مقابل سازمان ملل دست به تظاهرات گسترده ای زدند.

پلیس نیویورک برای کنترل هر چه بیشتر تظاهر کنندگان تدابیر امنیتی وسیعی اتخاذ نموده بود. از جمله با نصب نرده های آهنی، پیشاپیش محوطه مشخصی را برای تجمع کل مجموعه تظاهر کنندگان آماده کرده بود. در نتیجه، هر یک از نیروهای شرکت کننده نیز با حفظ صفوف خود، در یک قسمت از محل اختصاص داده شده توسط پلیس، مستقر شدند. بنابر این موقعیت و بر مبنای وضعی که به وجود آمده بود، همه نیروهای مترقی و چپ در عمل و بدون هیچ برنامه قبلی، در بخش ورودی محل تجمع مستقر شدند و در آن جا شعار ها و پوستر های مبارزاتی خود را نصب کردند.



فعالین چریک های فدایی خلق به همراه برخی از رفقا و فعالین سیاسی مقیم نیویورک و حومه نیز با حمل و یا نصب بنر های بسیار بزرگ حاوی شعار های "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "جمهوری اسلامی، با هر

جناح و دسته ، نابود باید گردد" و همچنین با نمایش پوستر های بزرگ و رنگی متشکل از عکس های افشاگرانه ای از جنایات بیشمار جمهوری اسلامی در همه دوره های سیاه و سرکوب گرانه اش که با شرکت همه جناح های ارتجاعی اش که در ایجاد و اعمال آن جنایات دست داشته اند ، در این تظاهرات در محل ذکر شده شرکت کردند.

بنری که بیش از هر چیزی در آن جا توجه هزاران نفر را بخود جلب میکرد، بنر بسیار بزرگی بود که به ابتکار رفقای ما طرح ریزی و درست شده بود. در قسمت بالائی این بنر جنایات دوران نخست وزیری میر حسین موسوی ، از سرکوب های خلق کرد ، تا کشتار زندانیان سیاسی دهه ۶۰ ، بطور بسیار گویایی منعکس شده است. در قسمت پایینی بنر نیز صحنه هایی از جنایات رژیم در دوران ریاست جمهوری احمدی نژاد و صحنه هائی از آنچه در جریان مبارزات و خیزش بزرگ اخیر مردم به وجود آمده بودند ، به نمایش گذاشته شده است. این بنر که نمایان گر تشابه ماهیت بغایت ارتجاعی و ضد خلقی تمام دار و دسته های درونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بود به عنوان یک حقیقت مبارزاتی نشان میداد که عملکرد هر دو جناح رژیم حاکم در هر دوره ، همواره چیزی جز شکنجه و زندان و اعدام برای مردم ما نبوده است.



بنر مذکور با توجه به محتوا و شکلی که داشت با استقبال وسیع ایرانیان مبارز شرکت کننده در تظاهرات روبرو شد. به خصوص نمایش جنایات دار و دسته موسوی تبهکار که امروزه فریبکارانه نام اصلاح طلب را



برخود گذارده اند، در طول تظاهرات واقعا خاری در چشم دشمنان مردم بود. بدون اغراق شاید هزاران نفر در آن روز توسط روایت تصویری همین بزرگواران، جنایات موسوی و رژیم جمهوری اسلامی را مشاهده و مرور کردند. از آنجائی که بسیاری از این جوانان با ماهیت ضد خلقی موسوی و کارنامه سیاه او در دهه ۶۰ آشنا نبودند، با دیدن عکس های این بزرگواران، به بحث و تبادل نظر می پرداختند. حتی بسیاری از جوانانی که با حمل نشانه های سبز رنگ در این تظاهرات شرکت کرده بودند، با علاقه در بحث ها شرکت می کردند. این بحث ها فرصت مناسبی برای رفقای ما ایجاد میکرد تا بتوانیم چهره موسوی را به عنوان مهره خادم این رژیم که همین امروز هم آرمانش بازگشت به "اسلام ناب محمدی" و بازگشت به همان دوران سیاه سال های ۶۰ و در کل، حفظ همین نظام استثمارگرانه هست را با همه آن جوانان در میان بگذاریم.



یکی از نکات بسیار جالب این تجمع آن بود که وقتی صف موسوم به "سبز" ها از مقابل ما عبور میکردند، علیرغم همه تلاشی که رهبران آن صف برای جدایی شرکت کنندگان از ما انجام میدادند، خیلی از آن ها که در حال حرکت بودند همراه با ما شعار "جمهوری اسلامی، مرگت فرا رسیده" و "جمهوری اسلامی، با هر جناح و دسته، نابود باید گردد" را تکرار میکردند. وقتی ما شعار "مرگ بر جمهوری زن ستیز" را سر دادیم، بدون اغراق، اکثریت زنان در صف "سبز" ها این شعار را همراه با ما فریاد میدادند. همچنین اکثر آن زنان، شعارهای "ما زن و مرد جنگیم، جنگ تا جنگیم"، "نه سازش، نه تسلیم، نبرد تا رهایی" که از بلندگوی بسیار قوی ما پخش میشد را با ما تکرار میکردند. بسیاری در صف "سبز" ها، با نشان دادن

علامت پیروزی به صف ما ، هم صدا با ما بطور کاملاً رسا ، شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" را با صدای بلند تکرار می کردند.

فریاد شعار های "ساختار شکنانه" در همراهی با ما از طرف تظاهر کنندگان جوان و نمایش روحیه مبارزاتی آنان در حالی بود که رهبران بزدل و سر سپرده "سبزیپوش" (طرفدار موسوی) حنجره خود را با شعار "یا حسین ، میر حسین" پاره میکردند تا به زعم خود شعار "جمهوری اسلامی ، ننگت باد ، مرگت باد" را خنثی کرده باشند.

در جریان بحث های روشنگرانه و افشاگرانه رفقای ما ، بسیاری از این مردم با خلوص نیت ، توضیح میدادند که ما "امروز اینجا آمده ایم تا از مبارزات مردم ایران حمایت کنیم ، ما نیامده ایم تا عکس موسوی را بلند کنیم".



ما تا لحظات پایانی این تظاهرات که هوا کاملاً تاریک شده بود با در دست گرفتن پوستر ها و بنر تصویری جنایات ۳۰ ساله رژیم ، در آستانه درب ورودی که حالا به درب خروجی تبدیل شده بود ، در محوطه ایستادیم. در این جا نیز جمعیتی که در حال خروج از محوطه بود با دیدن تصاویر جنایات رژیم جمهوری



اسلامی به طرف ما می آمدند و ما با آن ها نیز در مورد سابقه و ماهیت ضد خلقی و همچنین حيله های مزورانه اصلاح طلبان حکومتی و ضرورت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی صحبت میکردیم.

بطور کلی ما در آن روز تا آخرین فرصت به افشاگری علیه کلیت رژیم ادامه دادیم. رفقای ما با جوانان از تجربیات و دستاورد های مبارزاتی و هم چنین از اشتباهات گذشته جنبش و ضرورت درس گیری نسل جوان از آن اشتباهات صحبت میکردند که بسیاری از آنان با علاقه به این صحبت ها گوش میدادند. صد ها تن از مردم با دیدن صحنه های جنایات رژیم منقلب میشدند و آرزوی خود را برای نابودی این مزدوران به ساده ترین شکل بیان میکردن: "نه! ، جمهوری اسلامی باید بره". صد ها نفر در آن روز در کنار تصاویر عزیزانی که توسط رژیم دار و شکنجه و اعدام و تجاوز و سنگسار جان باختند عکس میگرفتند و احترام خود را به آنان به نمایش می گذاشتند.

این حرکت اعتراضی در نیویورک نشان داد که حضور هر چه فعال تر نیرو های انقلابی و مترقی به رغم امکانات محدودی که در اختیار دارند می تواند نقش بسیار مهم و روشنگرانه ای را در مبارزه بر علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ایفا کند. هم چنین تجربه این حرکت به روشنی نشان میدهد که اکثریت مردم شرکت کننده و حتی بخشی از آن ها که به دلیل توهم شان نسبت به ماهیت اصلاح طلبان حکومتی رنگ "سبز" بر تن می کنند ، با تمام وجود از این رژیم متنفرند و خواهان نابودی آنند.



واقعیت این است که اکثریت مردم شرکت کننده با انگیزه حمایت از مبارزات مردم درون کشور در این تظاهرات ها شرکت میکنند. با این حال سر سپردگان به اصطلاح اصلاح طلب که با ادعای "دمکراسی" خواهی و مخالفت با "دیکتاتور" های حاکم به برکت تبلیغات امپریالیست ها و مرتجعین می کوشند خود را در مقام رهبری مبارزات امروز مردم قرار دهند ، از هیچ ترفندی جهت به انحراف کشاندن و سوء استفاده از نیروی لایزال مبارزاتی مردم دریغ نمی کنند و همان طور که یک بار دیگر در حرکت اعتراضی نیویورک نشان دادند ، همه تلاش خود را در این تجمعات بکار می برند تا از نزدیک شدن مردم با نیرو های مبارز ، رادیکال و انقلابی که هدفی جز خوشبختی و رهایی قطعی توده های ستمدیده در سر ندارند جلوگیری کنند. این تجربه نیز نشان داد که زمانی که کشتی آن ها به گل می نشیند و توجه مردم و افکار عمومی به نیرو های صدیق و واقعا انقلابی جلب میشود ، دست به حرکات لومپن موآبانه و تحریک آمیز جهت متشنج کردن جو می زنند تا از تماس مردم و بویژه نسل جوانان مبارز با نیروهای رادیکال و انقلابی جلوگیری کرده باشند. اما حاصل چنان برخورد های رذیلانه ای این است که مردم در تجارب عینی خود می بینند که این به اصطلاح ناجیان "خود رهبر خوانده" که به رغم تمام فریبکاری هایشان اغلب تا مغز استخوان به دار و دسته اصلاح طلبان حکومتی وابسته هستند، دیکتاتورهای بیش نیستند که منافعشان در حفظ و صیانت از نظام استثمارگرانه حاکم بوده و به این خاطر ماهیتا نمی توانند حتی به "دمکراسی" ای که خود ادعایش را هم دارند ، حتی در ظاهر هم پای بند بمانند.

به امید وحدت مبارزاتی هر چه بیشتر در بین نیروهای واقعا مبارز و انقلابی در پیکار برای نابودی نظام استثمارگرانه حاکم و رژیم حافظ آن یعنی جمهوری اسلامی و همه جناح های ارتجاعی اش و به امید آزادی و رهایی قطعی کارگران و خلق های ستمدیده!

پنجم اکتبر ۲۰۰۹

ویدیو کلیپی از تظاهرات ۲۳ سپتامبر در نیویورک

<http://www.youtube.com/watch?v=g6TIM1pWaO4>